یادداشت روز

مصر، بحران ادامه دارد

تحولات جاری مصر آنقدر مهم است که از جنبه‌ها و زوایای گوناگون مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرد. مسلما این تحولات از یک سو تاثیر مهمی بر «آینده مصر» خواهد داشت و از سوی دیگر با پیامدهای مهم منطقه‌ای و بین‌المللی همراه خواهد بود کما اینکه طیف‌بندی‌های موافق و مخالف در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و تمرکز ویژه همه دنیا روی آنچه امروز در مصر می‌گذرد از حساسیت، تاثیر و اهمیت این تحولات خبر می‌دهند.

درباره سهم اسلام‌گراها و بخصوص اخوان و دولت یک ساله آن در این دگرگونی‌ها حرف‌های زیادی زده شده و این قلم نیز سه روز پیش در همین ستون به ارزیابی عملکرد و نقاط ضعف این جریان پرداخت در عین حال واقعیت این است که همه چیز به عملکرد و مواضع اخوان برنمی‌گردد هرچند مواضع درست و عملکرد مناسب در «لحظات حساس» می‌توانست به احتمال زیاد نقش عوامل داخلی و خارجی دیگر را کاهش داده و مهار نماید اما در عین حال «جامع‌نگری» حکم می‌کند که به عوامل دیگر هم توجه شود و در نهایت درس گرفتن از تحولات مصر نیازمند توجه به همه علل و عوامل است.

اگر نگاهی به رسانه‌ها و مواضع دولت‌ها و رسانه‌های غربی عربی بیاندازیم، می‌بینیم که همه انگشت‌ها به سمت اخوان‌المسلمین و دولت آن نشانه رفته و در مورد عوامل دیگر سکوت شده و یا با اشاره بسیار مختصر از آن می‌گذرند. اما برای آنکه بدانیم این تنها بخشی از واقعیت است و نه همه آن کافی است مثلا رفتار ارتش و نهاد قضایی مصر در زمانی که دولت اخوانی با رأی مردم سر کار آمد و احزاب و گروه‌های شکست خورده در موضع «معترض» بودند را با دو روز پیش که یک دولت با حکم وزیر دفاع سر کار آمد و اسلام‌گراها در موضع معترض بودند، مقایسه کنیم تا دریابیم، نقش نهادهایی که قانونا باید بیطرف می‌ماندند و خود هم ژست بیطرفی می‌گرفتند، چه بوده است.

همین طور برای آن که بدانیم نقش قدرت‌های خارجی و رژیم‌های عرب وابسته به آمریکا در این تحولات چه بوده است، می‌توانیم مواضع آنان در سوم جولای سال گذشته- ۱۳ تیرماه ۹۱- روزی که مرسی سر کار آمد را با مواضع آنان در سوم جولای کنونی که دولت منصوب نظامی سر کار آمده است، مقایسه نمائیم.

ارتش وانمود می‌کند که در جنبش اعتراضی علیه اخوان‌المسلمین نقش نداشته و این حرکت چند ماهه اعتراضی کاملا خودجوش بوده است. اما واقعیت این نیست چرا که از یک سو پلیس و ارتش و نیروهای امنیتی متعلق به کشوری بودند که مرسی رئیس جمهور آن و قندیل نخست‌وزیر آن بوده و چگونه می‌توان شانه خالی کردن از مسئولیت در برابر رئیس جمهور و دولت قانونی را «بیطرفی» نامید؟ در این شرایط در هر کشوری نیروهای نظامی، امنیتی و انتظامی بخشی از ساز و کار حکومت برای کنترل اعتراضات به حساب می‌آیند و اعلام بیطرفی در واقع اعلام حمایت از مخالفان دولت به حساب می‌آید کما اینکه وزیر دفاع پس از آن که مرسی را از ریاست جمهوری خلع نمود بر گفتگو با مخالفان دولت مرسی برای شکل دادن به کابینه تاکید کرد. در واقع حداقل قطعی این است که در طول دوره یک ساله حکومت مرسی، ارتش اجازه داد که مخالفت‌ها علیه اخوان‌المسلمین بالا بگیرد و اوضاع از کنترل اخوانی‌ها خارج گردد. در طول این دوره شبکه‌های تلویزیونی زیادی علیه اخوان اجازه فعالیت گرفتند. در طول این دوران ده‌ها دفتر اخوان از جمله دفاتر پایتخت در جلوی چشم نیروهای نظامی امنیتی به آتش کشیده شد، و ده‌ها عضو اخوانی کشته شده و هزاران نفر مصدوم گردیدند. ارتش سکوت خود را ذیل واژه «بیطرفی» پنهان می‌کرد و حال آن که همین ارتش دولت پس از کودتا را مورد حمایت جدی قرار داده و برای حفظ آن به حالت آماده‌باش درآمد و به اسلام‌گرایان گفت که فقط مخالفت مسالمت‌آمیز را تحمل می‌کند و زیر بار خشونت و اعمال زور نمی‌رود و در عین حال شبکه تلویزیونی اخوان را متوقف کرد.

حالا بگذریم که احتمالا در روزهای آینده حوادث مشکوکی رخ خواهد داد که به بهانه این حوادث، ارتش تظاهرات مسالمت آمیز را نیز ممنوع خواهد کرد.

از سوی دیگر ارتش در مصر یک قدرت بی‌رقیب است. مجموعه نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی مصر به حدود ۲/۵ میلیون نفر می‌رسد این تعداد حدود ۲۵ درصد از بودجه ۱۹ میلیارد دلاری سالانه را به خود اختصاص داده و سهم‌شان در مراکز اقتصادی به ۴۰ درصد نزدیک می‌شود. فرض کنید که هر عضو ارتش و... با ۴ نفر واجد شرایط رای زندگی می‌کند، مجموعه این‌ها ۱۰ میلیون نفر می‌شوند و می‌توانند در شرایط اختلاف احزاب یک پایه رای قوی به حساب آمده و معادله را به نفع خویش تغییر دهند کما اینکه همین نیرو در انتخابات ریاست‌جمهوری سال گذشته بیش از ۱۰ میلیون رای کسب کرد. ارتش در میان گروه‌های سیاسی مصر، تنها یک رقیب جدی داشته و آن، اخوان‌المسلمین بوده که گفته می‌شود کف رای آن، حدود ۷ میلیون نفر می‌باشد. ورود ارتش به صحنه پس از یک سال مماشات با معترضین، خارج کردن این رقیب از میدان به حساب می‌آید. این در حالی است که اخوان‌المسلمین گمان نمی‌کرد ارتش ورود خود به صحنه را مفید ارزیابی کند و به نیروهای خود اطمینان می‌داد که ارتش مداخله نخواهد کرد. از یک نظر دیگر مواضع ارتش ضمن آن که آن ۱۰ میلیون نفر را به ظرفیت معارضین اخوان اضافه می‌کرد به آنان اطمینان می‌داد که ارتش و دستگاه‌های امنیتی، انتظامی مانعی در مقابل آنان نخواهد بود از این رو دست کم از ۸۵ نفری که طی روزهای اخیر در قاهره، اسکندریه، اسماعیلیه، سوهاج و... کشته شدند ۵۰ نفر اخوانی بوده‌اند! شاید بی جهت نبود که «عدلی محمود منصور»، جایگزین مرسی در نخستین پیام خود به طور ویژه به ارتش، نیروهای پلیس، قضات و رسانه‌ها «سلام» گفت.

غرب در برکناری مرسی بازی دوگانه‌ای را به نمایش گذاشت. از یک طرف وانمود می‌کرد که با هرج و مرج و نیز دخالت ارتش مخالف است و آن را به ضرر خود ارزیابی می‌کرد، اما در عمل به هرج و مرج دامن می‌زدند و از کودتای سفید ارتش حمایت می‌کردند. بر اساس نوشته خبرگزاری‌ها دو روز پیش از کودتا، وزیر دفاع آمریکا، با ژنرال عبدالفتاح سیسی وزیر دفاع و رهبر کودتای مصر تماس گرفته است. جزئیات این تماس منتشر نشده ولی بطور قطع میان آنان هماهنگی‌های لازم صورت گرفته است. کما اینکه از قبل گفته می‌شد که سیسی روابط مستحکمی با غرب دارد و در آمریکا دوره آموزش‌های ویژه اطلاعاتی خود را سپری کرده است. اینکه بلافاصله پس از برکناری مرسی از ریاست‌جمهوری، کمیته امور خارجی مجلس نمایندگان آمریکا با صدور بیانیه‌ای- بی‌سابقه- از عزل مرسی ابراز خشنودی کرد و رهبر جمهوری‌خواهان آمریکا حذف مرسی را تقویت دموکراسی نامید، نمی‌تواند تصادفی باشد. یا اینکه افراد و گروه‌هایی مثل البرادعی و حزب الوفد که وابستگی‌شان به آمریکا از شدت وضوح احتیاجی به استدلال ندارد بطور یکپارچه از نقشه راه رهبر کودتا حمایت کردند هم تصادفی نیست. البته غربی‌ها و بخصوص سه کشور آمریکا، انگلیس و آلمان تلاش زیادی کردند تا در هیچ بخش از ماجرا دیده نشوند چرا که برملا شدن این نقش بخش زیادی از معارضین را از میادین اعتراض جدا می‌کرد.

اما از لحاظ نتایج، غرب در این بحران برای خود منفعت زیادی در نظر گرفته است. در واقع شکست دموکراسی اسلامی در مصر، از نظر آمریکایی‌ها شکست روند بهار عربی به حساب آمده و این می‌تواند بقیه رژیم‌هایی که بطور طبیعی در موج دوم تحولات به سرنوشت رژیم‌های مبارک و بن‌علی گرفتار خواهند شد را تا حدی بیمه نماید چرا که مردم کشورهایی که در معرض رژیم‌های دیکتاتوری وابسته و عقب‌مانده هستند با نگاه به آنچه در عرصه سیاسی مصر روی می‌دهد به خود می‌گویند اگر محصول تلاش برای سرنگونی یک رژیم از یک سو هرج و مرج و از سوی دیگر روی کار آمدن دولتی مشابه دولت قبل باشد، باید عطای چنین انقلابی را به لقای آن بخشید. عملکردها و مواضع عربستان سعودی در این ارتباط دیدنی است: سعودی از یک طرف گروه‌های تکفیری وهابی نزدیک به خود را به اتحاد با اخوان وادار کرد و از این طریق برای محمد مرسی و اخوانی‌ها مشکلات زیادی را به وجود آورد و از طرف دیگر سعودی‌ها با واداشتن عناصر وابسته به خود در ارتش و احزاب سلفی به استعفا و پیوستن مخالفین در دو روز پایانی حکومت مرسی، سهم عمده‌ای در اسقاط دولت اخوانی مصر ایفا کردند. کما اینکه ملک‌عبدالله اولین مقام عربی بود که دولت جدید عدلی منصور را به رسمیت شناخت و از اقدامات نظامیان تجلیل کرد. در حالی که بعضی گمان می‌کردند که دولت ترکیبی اخوانی-سلفی از سوی ریاض حمایت می‌شوند.

نکته دیگر این است که آمریکایی‌ها هرج و مرج ماههای گذشته مصر را یک فرصت مهم برای پایان دادن به پرونده فلسطین ارزیابی می‌کردند. آمریکا در خلال بحران مصر توانست سران عربی را به کوتاه آمدن در برابر اسرائیل و تنازل از طرح تشکیل دولت فلسطینی در سرزمین‌های اشغالی ۱۹۶۷- یعنی ۲۲ درصد خاک فلسطین- وادارد کما اینکه بحرانی شدن شرایط کشورهای عرب پیرامون رژیم صهیونیستی، اولویت و تمرکز روی پرونده فلسطین- اسرائیل را از بین می‌برد اما البته اگر گمان شود که آمریکایی‌ها این آمادگی را دارند که شرایط هرج و مرج را به سمت منافع پایدار خود سوق دهند، اشتباه خواهد بود کما اینکه خود آمریکایی‌ها نیز این گمان را ندارند.

شرایط پس از برکناری مرسی از قدرت و مواجهه ارتش با معترضان اسلام‌گرا در میدان رابعه با هواپیمای جنگی نشان می‌دهد که اوضاع مصر تحت کنترل نیست و ممکن است اوضاع به گونه‌ای سوق پیدا کند که ارتش توانایی کنترل آن را نداشته باشد. همه می‌دانند که طی ماههای اخیر صدها تن انواع سلاح‌های سبک و نیمه سنگین بخصوص از لیبی وارد مصر شده و درگیری‌ها در هفته اخیر عمدتاً با سلاح گرم بوده به گونه‌ای که در روز گذشته حدود ۱۰ نفر براثر اصابت گلوله کشته شده‌اند. بسته شدن کانال تلویزیونی اخوان از سوی ارتش نشان می‌دهد که اوضاع در روزهای آینده روند مسالمت‌آمیزی پیدا نخواهد کرد همین دیروز علیرغم آنکه چندین نفر از اجتماع کنندگان «الرابعه» کشته شده بودند، جمعیت زیادی به سمت کاخ ریاست جمهوری به راه افتادند.

سعدالله زارعی

اعتراف کاخ سفید به مقاومت بی‌نظیر ملت ایران

وزیر خزانه‌داری آمریکا: تحریم‌های ایران در طول تاریخ بی‌سابقه است

سرویس سیاسی-

مواضع مغرضانه و خصمانه آمریکایی‌ها درباره موضوع هسته‌ای کشورمان به مانند تمامی سال‌های اخیر بر روی میز واشنگتن قرار دارد.

در حالی که مقامات ارشد وزارت خارجه آمریکا ادعا می‌کنند واشنگتن بر حل دیپلماتیک موضوع هسته‌ای ایران مصمم است، وزیر خزانه‌داری آمریکا اذعان کرد که تحریم‌های کنونی علیه اقتصاد ایران، سخت‌ترین تحریم‌ها در طول تاریخ است.

این اذعان «جک لو» وزیر خزانه‌داری آمریکا در شرایطی است که علت و بهانه اعمال تحریم‌های ضد ایرانی، برنامه هسته‌ای کشورمان می‌باشد.

در همین رابطه، توماس کانتریمن معاون وزیر امور خارجه آمریکا در سخنانی با ادعای اینکه واشنگتن می‌خواهد موضوع هسته‌ای ایران را به صورت دیپلماتیک حل کند از تهران خواست به میز مذاکرات بازگردد!

این در حالی است که ایران هیچ‌گاه در سال‌های اخیر میز مذاکرات را ترک نکرده که اکنون به میز مذاکرات بازگردد.

به گزارش رویترز، کانتریمن افزود: ما حاضریم نسبت به احتمال تغییر سیاست در ایران خوشبین باشیم، ولی این امر باید از طریق مذاکرات واقعی نمایان شود، نه فقط از طریق اظهارنظرهای لفظی.

آخرین دور مذاکرات ایران و کشورهای گروه ۱+۵ (آمریکا، روسیه، چین، انگلیس، فرانسه و آلمان) در ماه آوریل در شهر آلماتی در قزاقستان برگزار شد.

کانتریمن با تکرار اتهامات غرب مبنی بر نظامی بودن برنامه هسته‌ای ایران نسبت به این امید که رئیس‌جمهور جدید ایران اراده و قدرت تغییر سیاست هسته‌ای تهران را داشته باشد به اصطلاح هشدار داد و گفت: هنگامی که روحانی بر سر کار آید، ما دلیلی نداریم باور کنیم این حقیقت که قدرت تصمیم‌گیری درباره موضوع برنامه هسته‌ای تسلیحاتی ایران برعهده رهبر این کشور است و نه دفتر ریاست‌جمهوری، تغییر خواهد کرد.

از سوی دیگر؛ ادعای آمریکایی‌ها در خصوص مصمم بودن بر رویکرد دیپلماتیک درباره برنامه هسته‌ای کشورمان در حالی است که به موازات اظهارات معاون وزیر خارجه این کشور، جک لو وزیر خزانه‌داری آمریکا در کنفرانسی در کلرادو مدعی شد: بهترین گزینه برای ایران و بهترین گزینه برای جهان این است که تحریم‌های اقتصادی موثر واقع شود چرا که جایگزین‌های دیگر هم برای جهان خطرناک است هم برای ایران.

وی افزود: من فکر نمی‌کنم هیچ رئیس‌جمهوری درآمریکا بدون فرصت دادن به ابزارهای موجود سراغ گزینه‌های دیگر برود.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، آمریکا و غرب به منظور تحت فشار قرار دادن برنامه‌های هسته‌ای ایران سالهاست که تحریم‌های اقتصادی و تجاری سنگینی علیه ایران اعمال کرده‌اند.

ایران بارها تاکید کرده که تمامی فعالیت‌های هسته‌ای این کشور صلح‌آمیز و شفاف است و ادعای غربی‌ها را رد می‌کند.

وزیر خزانه‌داری آمریکا با ارائه تصویری تاریک از اقتصاد ایران مدعی شد که تحریم‌های اقتصادی موثر واقع شده‌اند.

وی تحریم‌های کنونی علیه اقتصاد ایران را سخت‌ترین تحریم‌ها در طول تاریخ خواند و مدعی شد: هدف تحریم‌ها، آسیب زدن به مردم ایران نیست بلکه هدف تغییر مسیر و تصمیم ایران است.

رویکرد دوگانه آمریکایی‌ها که از یکسو ژست حل دیپلماتیک می‌گیرند و از سوی دیگر تحریم‌های وحشیانه ضد ایرانی را اعمال می‌کنند در شرایطی است که رسانه‌های غربی اذعان دارند که اولا تحریم‌ها آن هم تحریم‌هایی چون در حوزه دارو و بهداشت مردم ایران را نشانه رفته است و ثانیا؛ تحریم‌ها نتوانسته منجر به تغییر محاسبات و تصمیم رهبران ایران شود.

مقارن با این فضا، مواضع و رویکردهای آمریکا در مواجهه با ایران بیانگر آن است که با توجه به ناکارآمد بودن تحریم‌ها، آنها بر مقاومت بی‌نظیر ملت ایران اعتراف دارند که نمونه آن انتخابات اخیر در کشورمان است که علی‌رغم فشارها و تهدیدها، مردم با حضور حداکثری و حماسی خود نقشه‌های دشمن را نقش بر آب کردند.

در مصاحبه با بی‌بی‌سی

جک استراو: ایران به دنبال تولید بمب اتمی نیست

وزیر خارجه اسبق انگلیس طی نشستی کارشناسانه در بی‌بی‌سی اذعان کرد ایران به دنبال ساخت سلاح اتمی نبوده و این دیدگاه ساده‌لوحانه نیست.

جک استراو، وزیر خارجه اسبق انگلیس در یک نشست کارشناسی در رسانه دولتی بی‌بی‌سی، گفت هیچ شواهدی مبنی بر اینکه ایران در حال ساخت بمب اتمی است وجود ندارد.

جک استراو، در این نشست کارشناسی گفت دیدگاه‌های او درباره ایران «ساده‌لوحانه» نیستند و به نظر می‌رسد چشم‌انداز امیدوارانه‌تری از اوضاع برنامه هسته‌ای ایران با رئیس جمهور جدید این کشور وجود داشته باشد.

استراو در پاسخ به مجری برنامه که گفت: اما شما سالها با ایران مذاکره کردید ولی به جایی نرسیدید، همانند آنچه در کتاب خاطرات خود آورده، آمریکایی‌ها را مسئول به بن‌بست رسیدن مذاکرات معرفی کرد.

وزیر خارجه اسبق بریتانیا پیشتر در کتاب خاطراتش نئوکان‌های تندرو آمریکایی و به خصوص سخنرانی سالانه جورج دبلیو بوش در کنگره آمریکا که ایران را محور شرارت خوانده بود را از جمله عوامل تخریب کننده دستاوردهای مذاکرات هسته‌ای با ایران که به مراحل خوبی رسیده بود، ذکر کرده بود. جک استراو در این کتاب به تعلیق داوطلبانه غنی‌سازی اورانیوم و امضای پروتکل الحاقی که اجازه نظارت دقیق‌تر و جزئی‌تر به آژانس می‌داد، اشاره می‌کند و سپس می‌نویسد تندروی‌های جناح محافظه‌کار آمریکا باعث شد توافق بر سر برنامه هسته‌ای ایران به نتیجه نرسد و «جان بولتون و دیگر نئوکان‌های آمریکا آن چیزی را درو کنند که کاشته بودند.»

وی در بخش دیگری از سخنان خود تصریح کرد: «حس درونی من درباره برنامه هسته‌ای ایران این است که آنها در حال پیشبرد یک برنامه هسته‌ای غیرنظامی هستند و در عین حال به دنبال دستیابی به ظرفیت‌های فکری برای ساخت بمب اتمی هم هستند. اما هیچ شواهدی، نه از آژانس و نه از آمریکایی‌ها- شواهد آمریکایی‌ها که کاملاً عکس این موضوع است- وجود ندارد که خبر از تسلیحات بدهند؛ شواهدی که خبر از تسلیحات ایران بدهند، کمتر از شواهدی است که خبر از سلاح‌های عراق یا لیبی می‌دادند. این چیزی است که درست است.» به گزارش فارس، استراو در پایان این برنامه گفت: «بگذارید این را مشخص کنیم. آمریکا یک گزارش برآورد اطلاعاتی منتشر می‌کند. آنها در سال ۲۰۰۷ یکی از این برآوردها را منتشر کردند که دقیقاً با همین عبارات می‌گفت قضاوتشان این است که ایران برنامه ساخت تسلیحات اتمی‌اش را در سال ۲۰۰۳ متوقف کرده است و هیچ شواهدی مبنی بر پیگیری مجدد آن وجود ندارد. البته من قبول دارم که مقدار زیادی اطلاعات مبهم وجود دارد، مثلاً درباره غنی‌سازی سطح بالای ایران؛ اما این، هنوز و به هیچ عنوان به معنی ساخت بمب اتمی نیست.»

خبر ویژه

نتانیاهو: منتخب جدید ایرانی‌ها متاسفانه همسو با رهبری است

نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی گفت: متاسفانه نتیجه انتخابات ایران، امکان تغییر در بلندپروازی‌های این کشور را فراهم نمی‌کند.

بنیامین نتانیاهو در مصاحبه با سردبیر واشنگتن‌پست گفت: انتخاب حسن روحانی زمینه‌ساز تغییر در فعالیت‌های هسته‌ای ایران نخواهد بود.

وی می‌افزاید: «مشایی» و سایر نامزدهای دیگر که متمایل به نزدیکی با غرب و رژیم اسرائیل بودند از رقابت‌های انتخاباتی حذف شدند و نامزدی که حاکمیت اجازه داده بود توانست در این انتخابات شرکت کند. روحانی دقیقا مانند دیگر نامزدهای مورد نظر قدرت حاکمه است که حاضر به همسویی با نگرش‌های رهبر هستند.

نتانیاهو گفت: شورای نگهبان صلاحیت صدها نامزد دیگر را رد کرد و نهایتا ۸ تن از نامزدها در صحنه رقابت‌های انتخاباتی حضور یافتند. آنها حتی هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور سابق و مشایی را از صحنه انتخابات کنار زدند و به جای آنها روحانی را حفظ کردند. روحانی مشاور امنیت ملی ایران و مذاکره‌کننده هسته‌ای بوده است. او مبتکر یک دکترین است که خود نام آن را «مذاکره و تداوم غنی‌سازی» گذاشته است.

نتانیاهو تاکید کرد: روحانی در کتابی که نوشته، گفته که ضمن مذاکره، ایران امکان تداوم غنی‌سازی را خواهد داشت. این دقیقا همان چیزی است که در سال ۲۰۰۴ اعلام کرده بود یعنی زمانی که ما با اروپایی‌ها در تهران مذاکره می‌کردیم در اصفهان داشتیم بخشی از مرکز اصفهان را تجهیز می‌کردیم. روحانی در ادامه اضافه کرده که «ما با برقراری فضای آرامش توانستیم کارهای اصفهان را به پایان برسانیم».

آشفته‌هایی که یکباره روحانی را اصلاح‌طلب خواندند

«در بعدازظهر ۲۵ خرداد وقتی که وزارت کشور نظام ایران حسن روحانی را برنده انتخابات خود اعلام کرد، جوی از تشنج و آشفتگی، طیفی از اپوزیسیون را فرا گرفت و به یکباره او را اصلاح‌طلب، میانه‌رو و غیره خطاب کردند، و شروع کردند به تفسیر نظرات خود که این شخص احتمالا باعث تغییر در ایران خواهد شد.»

این مطلب را پایگاه اینترنتی اخبار روز (وابسته به طیفی از مخالفان جمهوری اسلامی) عنوان کرد و افزود: باید توجه کرد که در رژیم ایران، دولت عوض شده و نه سیستم حکومتی. یک رجل سیاسی از ارکان نظام ایران به نام حسن روحانی، عضو و نماینده بیت رهبری در شورای امنیت ملی از سال ۱۳۷۰، عضو مجلس خبرگان از سال ۱۳۷۸، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام از سال ۱۳۷۰ تا به امروز، که دارای ادبیات سیاسی دیگری غیر از سلف خود احمدی‌نژاد دارد، می‌رود که سکان هدایت قوه مجریه را بدست بگیرد، حال سوال این است که با وجود شغل و سمت و جایگاه او و مهمتر از همه تایید صلاحیت او از سوی یکی از ارگان‌های امنیتی نظام مثل شورای نگهبان که تحت کنترل رهبری است، آیا می‌توان انتظاری از او داشت. او در شمار ۸ نامزدی بود که از دل نظام بودند و فرصت‌های جدیدی برای نظام در عرصه خارجی و داخلی ایجاد می‌کند. اما در موضوع هسته‌ای و سوریه، موضع رژیم را تأیید کرد.

یواس‌تودی: رئیس‌جمهور جدید ایران اهل تعامل هست اما عقب‌نشینی نمی‌کند

یک روزنامه آمریکایی نوشت: با روی کار آمدن رئیس‌جمهور جدید در ایران، غرب نباید خیال کند که وی از مواضع ایران عقب‌نشینی می‌کند.

ایلان برمن معاون شورای روابط خارجی آمریکا در این تحلیل یواس‌تودی خاطر نشان کرد: حسن روحانی با شعار میانه‌روی در انتخابات ایران پیروز شد و از تعامل سازنده با جهان و غرب سخن گفت: اما جزئیات نشان می‌دهد که امیدی به وی نیست. روحانی از قبل به روشنی بیان کرده که نظام ایران در مورد مهم‌ترین مسائل مدنظر سیاستگذاران غربی تسلیم نخواهد شد. این مسائل شامل برنامه هسته‌ای ایران و حمایت از سوریه، است. وی در اولین نشست خبری خود تعلیق فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم را رد کرد و گفت دولت ایران از راه‌های دیپلماتیک و غیره تلاش می‌کند تا حکومت سوریه تداوم پیدا کند.

وی اضافه می‌کند: رسانه‌های غربی بر دیدگاه‌های معتدل روحانی تاکید کرده و اصرار دارند که باید از فرصت تحولات سیاسی در ایران استفاده کرد. اما در واقع این وضعیت برای حاکمیت در ایران بسیار خوشایند است.

تحلیلگر یواس‌تودی با بیان اینکه «شاید روحانی بتواند روند سیاست خارجی ایران را از رویارویی به تعامل نزدیک کند می‌افزاید: اگر این فرضیه باشد، تهران زمان ارزشمند فراوانی برای بازسازی و کسب انرژی برای خود خریده است تا باز هم در جبهه هسته‌ای پیشرفت کند.

از سوی دیگر نیکلاس برنز دیپلمات قدیمی و بازنشسته وزارت خارجه آمریکا در وبسایت «شورای آتلانتیک» به ارزیابی انتخابات ایران پرداخت و نوشت: انتخاب روحانی خبری بهتر از آنچه اوباما انتظار داشت بود اما انتخاب روحانی ممکن است آن نوشدارویی که بسیاری در غرب تبلیغش را می‌کنند نباشد. اولا، روحانی همواره حامی سرسخت برنامه هسته‌ای ایران بوده است. هر چند او دیپلماتی مودب است و در مراحل اولیه دیپلماسی هسته‌ای با اروپایی‌ها بخوبی کار کرده اما بسیار زود است که اعتقاد داشته باشیم او آمریکایی‌ستیزی سرسختی را که به مدت سه دهه رژیم انقلابی ایران را تعریف کرده است، دگرگون خواهد ساخت.

وی ادامه می‌دهد: تردیدی نیست که آیت‌الله علی خامنه‌ای رهبر عالی ایران حرف آخر را درباره مسائل مهم خواهد زد.

این مقام سابق وزارت خارجه آمریکا در ادامه نوشت: ایران وارد مذاکرات خواهد شد اما بعید است امتیازات مهمی را که آمریکا و غرب طلب می‌کنند، به آنها بدهد. ایران دشوارترین چالش اوباما در سال ۲۰۱۳ خواهد بود. او باید به انتخاب روحانی با مطرح کردن یک پیشنهاد بلندپروازانه پاسخ دهد؛ پیشنهادی که وجود یک ظرفیت هسته‌ای محدود صلح‌آمیز در ایران را خواهد پذیرفت، اما از تبدیل شدن ایران به یک قدرت نظامی هسته‌ای تحت نظارت شدید بین‌المللی جلوگیری خواهد کرد. او باید با زیرکی این کار را به همراه حتی تحریم‌های شدیدتر و تداوم تهدید زور انجام دهد تا حواس مقامات ایرانی جمع شود.

یادآور می‌شود جاکوب لو وزیر خزانه‌داری آمریکا یکشنبه گذشته، بر ضرورت تشدید و تداوم تحریم‌ها ضد ایران تأکید نمود و تهدید کرد در صورت شکست تحریم‌ها، بدترین گزینه [نظامی] در انتظار ایران خواهد بود.

وزیر خزانه‌داری آمریکا در ادامه افزوده است: هیچ یک از روسای‌جمهور آمریکا نباید پیش از دست زدن به اقدام نظامی برای متوقف کردن برنامه اتمی جمهوری اسلامی دیگر گزینه‌ها از جمله تحریم‌های اقتصادی را نادیده بگیرند.

جاکوب‌لو از تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران به عنوان سخت‌ترین تحریم‌های تاریخ یاد کرد و مدعی شد: «هدف از تحریم‌ها نه اعمال فشار بر مردم ایران، بلکه واداشتن رهبران این کشور به تجدیدنظر در تصمیم اتمی‌شان است».

وزیر خزانه‌داری آمریکا با اشاره به انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری ایران تصریح کرد دولت آمریکا باید ارزیابی کند که آیا این انتخابات در برگیرنده نتایجی خواهد بود یا نه؟

گزارش شورای آتلانتیک درباره راز ناکامی آمریکا در تعامل با مردم ایران

یک اندیشکده آمریکایی خواستار دیپلماسی مردمی با ملت ایران شد اما تاکید کرد اعمال تحریم‌های ضد ایرانی مانع از هرگونه دیپلماسی این‌چنینی است.

به گزارش فارین پالیسی شورای آتلانتیک در گزارشی خواستار پرکردن خلأ روابط سیاسی با روابط فرهنگی بین ملت‌ها شده و می‌نویسد: مبادلات فرهنگی و دانشگاهی بین ایران و آمریکا سرمایه‌گذاری کم‌هزینه با سودآوری بالا خواهد بود و می‌تواند در آینده زمینه را برای روابط عادی تهران- واشنگتن، فراهم کند. همچنین آمریکا می‌تواند کار گروهی برای بررسی تعاملات دانشگاهی، هنری، ورزشی، علمی و تکنولوژیکی با ایران راه‌اندازی کند. رضا اصلان، از فعالان شورای روابط خارجی آمریکا می‌گوید، زمانی که دو کشور هیچ کانالی برای روابط دیپلماتیک ندارند، مانند آنچه در روابط ایران و آمریکا به چشم می‌خورد، «دیپلماسی مردم با مردم» تنها راه پیش رو به شمار می‌رود.

شورای آتلانتیک در عین حال افزود: البته این راه نیز دشواری‌های خود را دارد. برای مثال زمانی که آمریکا قصد داشت از این طریق روابط خود را با جماهیر شوروی سابق بهبود ببخشد، با موانعی مواجه شد. دیپلماسی فرهنگی روش خوبی است و در گذشته نیز در دوران ریاست‌جمهوری محمد خاتمی آزمایش شده و نتایجی نیز به همراه داشته است. اما باید توجه داشت اکنون ایالات متحده تحریم‌های سنگینی را علیه ایران اعمال می‌کند که به نوبه خود راه تعامل فرهنگی را نیز دشوار می‌کند.

در این گزارش با اشاره به اینکه از طریق جلب نظر مردم ایران می‌توان به تغییر رفتار دولت ایران پرداخت، به تحریم به عنوان یک مانع جدی اشاره شده و آمده است: تا زمانی که واشنگتن رویکرد کلی خود در این باره را تغییر ندهد، مردم ایران نسبت به موضوع تعامل با بدبینی و سوءظن خواهند نگریست. از جمله دولت آمریکا از روز دوشنبه تحریم‌های جدیدی را علیه ایران اعمال کرد و مجلس نمایندگان نیز همزمان با روی کارآمدن رئیس‌جمهور جدید، درصدد تشدید فشارها به ایران است.

یادآور می‌شود مقامات آمریکایی در ادبیات دو سال اخیر خود از تعابیری مانند فلج کردن و به زانو درآوردن مردم ایران برای تسلیم در برابر توقعات غرب سخن رانده‌اند.

عبدی: سهم اصلاح‌طلبان در مشارکت مردم ۱۰ درصد بود

عضو مستعفی حزب مشارکت گفت: تصمیم اصلاح‌طلبان برای حضور در انتخابات تا حدودی بر افزایش مشارکت کمک کرد.

عباس عبدی در مصاحبه با مجله مهرنامه تصریح کرد: واقعیت این است که تصمیم اصلاح‌طلبان تا حدی (حدود ۱۰ درصد) به افزایش مشارکت کمک کرد.

وی همچنین درباره شخصیت محوری اصلاح‌طلبان گفته است: ما به شخصیت و نفوذ آقایان خاتمی و هاشمی ایرادی نداریم. ضمن آنکه من قبول ندارم آرای آقای روحانی را صرفا موکول به حمایت آقایان خاتمی و هاشمی کنیم مگر در انتخابات مجلس هشتم، لیست اصلاح‌طلبان تحت عنوان «یاران خاتمی» درنیامد؟ چرا رأی نیاوردند؟

عبدی با بیان این که این بار شما برخلاف دوم خرداد ۷۶ از روحانی مانند خاتمی یک قدیس نخواهید ساخت، افزود: این بار ماجرای آن کس نمی‌شود که نام پسرش را رستم گذاشت و بعد هم شروع کرد به لرزیدن. در مورد آقای روحانی این طور نیست.

او درباره این سؤال که «آیا فکر می‌کنید اصلاح‌طلبان تاکنون نسبت خود را با حکومت و رهبری مشخص کرده بودند و آیا حداقل در نزد خودشان، تصور روشنی از این موضوع داشتند؟» گفت: یکی از مواردی که هنوز آن را حل نکرده‌اند، همین است. شما در برخی بیانیه‌ها می‌بینید که این انتخابات را تنها محصول مشارکت خودشان می‌دانند، در حالی که واقعا اینطور نیست. اصلاح‌طلبان فقط یک تصمیم گرفتند. اما انتخابات را حکومت برگزار کرد و در این میان، رهبری نقش بسیار مهمی داشتند. مجموعه نیروها باید یک بازنگری هم در خودشان داشته باشند. البته، به نظرم اصولگراها بیشتر می‌توانند با واقعیت کنار بیایند تا اصلاح‌طلبان. همین که اصلاح‌طلبان بر آمدن آقای خاتمی تاکید می‌کردند، به نوعی مقاومت در برابر پذیرش واقعیت بود. البته می‌توانستند بگویند ما به هر قیمت می‌آییم و هزینه آن را هم بدهند؛ اما نمی‌توانند هم اپوزیسیون باشند و هم پوزیسیون. یک پایشان بیرون باشد و پایی داخل. به نظر من، این راهبردها جواب نمی‌دهد. برخی از بیانیه‌هایی را که در حمایت از آقای هاشمی نوشته شد، باید به صورت تاریخی نگه داشت. این بیانیه، هر چیزی باشد؛ انتخاباتی نیست. این نشان می‌دهد که ریشه تحلیل‌ها حداقل تا قبل از انتخابات، درست نشده بود.

گفت و شنود

سعی

گفت: آقای عباس عبدی می‌گوید سهم اصلاح‌طلبان در انتخابات حداکثر ۱۰ درصد بوده است.

گفتم: البته ۳ درصد آب توی آن ریخته و رأی آنها حداکثر ۷ درصد است.

گفت: می‌گوید اگر حمایت خاتمی موثر بود چرا در انتخابات مجلس هشتم لیست «یاران خاتمی» رأی نیاورد؟!

گفتم: آقای زیباکلام هم می‌گوید «روحانی نه دوم خردادی است و نه مشارکتی» یعنی اصلاح‌طلب نیست.

گفت: خب حق دارند، چون می‌بینند که مواضع روحانی با اصلاح‌طلبان همخوانی ندارد.

گفتم: باید به مدعیان اصلاحات گفت؛ سعی کنید خودتون باشید و اگر این چیزی که الان هستید، خودتونه، پس سعی کنید خودتون نباشید!

وزیر کشور در پکن خبر داد

تشکیل کارگروه عملیاتی مشترک ایران و چین برای مبارزه با جرایم

وزیر کشور ایران و وزیر امنیت ملی چین با امضای یادداشت تفاهمی در پکن، تشکیل گروه‌های عملیاتی مبارزه با مواد مخدر، پولشویی، قاچاق انسان و جعل گذرنامه را خواستار شدند.

این یادداشت تفاهم را مصطفی محمدنجار وزیر کشور جمهوری اسلامی ایران و گواشانگ‌کوان وزیر امنیت عمومی چین امضا کردند و در برگیرنده همکاری‌های دو کشور در بخش‌های امنیتی و انتظامی از ج